

جهاد سازندگی،

جان سازنده انقلاب است

در تاریخ انقلاب، باید

از جهاد بعنوان یک

رویداد غیر طراحی

شده، اما بجایاد کرد

س - نقش جهاد سازندگی را در انقلاب چه میدانید؟

ج - نقش جهاد سازندگی بقدری مشهود و برای مردم ملموس است، که شرح آن توضیح واضحات است، و مردم تا حدود زیادی و هرکسی در یک بعد، با این نقش آشناست. بعد از پیروزی انقلاب، به دلیل از هم پاشیدگی ارگانهای مسئول سازندگی کشور، بهم ریختگی شرکتها و سازمانهای مجری، طبیعی بود که بعضی از کارهای کشور متوقف میشد و می خوابید و در آن مراحل اولیه خیلی هم خوابید، لذا اگر ما می خواستیم با سیستم اداری موجود شروع بکار کنیم فرصت زیادی لازم داشتیم و کارها هم بکنند پیش می رفت.



برای نوشتن تاریخ جنگ، باید تاریخ خدمات جهاد را بنویسیم

جامعه وتوده مردم، بخصوص قشر جوان این نیاز به سازندگی را احساس کرد و باقوه ایمان برای برکردن این خلاء مشغول کار شد. جوانان بدون مقررات دست و پاگیر و بدون تشریفات بصورت جهادی شروع به کار کردند و تاحدی آن خلاء را برکردند.

جهادگران به انجام کارهای فوری و ضروری تری پرداختند و از انجام کارهای نمایشی و لوکس و فرمایشی صرفنظر کردند و به سرکارهای کوچکتر و لازم ترسوزمینها و جاهای عقب مانده و دورتر رفتند.

جهاد هرقدمی که بر میدارد، در واقع نشان دادن خدمات انقلاب و برکردن خلاء ها و دادن جواب فوری به نیازها در ابعاد فراوان است. جهاد ابعادی دارد که نمی شود آن را رقم زدولی محصولش را می توان دید.

بعنوان نمونه، در بعد فرهنگی خدمات جهاد، حضور دهها هزار جوان مؤمن وفداکار و کم توقع و یاختی بدون توقع در روستاها است و این کار عظیمی بود، که اینها فرهنگ اسلامی را در روستاها رواج دادند. مثلا اگر پنج نفر جهادگر به یک بخش و یا روستا می رفتند، در آنجا نیروهای خفته فکری را بیدار می کردند و نقش اجیاء و بیدارگری اینها را داشتند. جهاد سازندگی در مجموع جان سازنده انقلاب است و در تاریخ انقلاب ما باید بعنوان یک رویداد غیر طراحی شده، اما بجا و بحساب و بدون معامله حساب شود.

س - نقش جهاد در جبهه، بخصوص در بیروزیهای اخیر را توضیح دهید؟

ج - از زمانی که جنگ شروع شد، بهمان دلیل که جهاد بوجود آمده بود، به همان دلیل جبهه امکاناتش را از جهاد گرفت و جهاد بعضی از امکاناتش را به جبهه منتقل کرد.

جنگ چون مساله اصلی و اول ماست، لذا نیازهای دیگر را تحت الشعاع قرار داد. طبعاً جهاد هم به عنوان روح زنده جامعه و بخش متحرک اجتماع ماقبل از همه و یا در ردیف اولین بخشهایی بود که این نیاز را احساس کرد و دریافت که این نیاز، نیازی میرمی است و لذا به جبهه آمد.

در حقیقت جهاد به همان اندازه که سپاه، نیروهای رزمنده و ارتش را تکمیل کرد و راه فتح را باز نمود. جهاد هم در نقش مهندسی، بکمک مهندسی ارتش شتافت (مهندسی ارتش که یک سازمان عریض و طویل و مهندسی زمان صلح بود، طبعاً به تنهایی نمی توانست مهندسی جامعه جنگ، آنهم با آن وسعت را تامین نماید) و هنگام با جهاد و بسیج و سپاه کارهای مهندسی و سنگرسازی و راهسازی و عمدتا

کارهای خطرناک را انجام دادند. من در جریان طرحها و عملیات هستم، در طرحها مثلا یک راه پیش بینی میشد که تامین آن راه کار آسانی نبود، همانجایی که اصل جنگ بود، خطر و مشکلات فراوانی داشت، ساختن این راه، کار جهاد بود. یامثلا وقتی که تانکها و توپها به طرف دشمن میروند و نیروهای پیاده هم جلو حرکت می کنند،

* به نظر من بعد از جنگ، وقتی

بخواهیم تاریخ جنگ را بنویسیم باید خدمات جهاد را که حتی برای جنگ درست نشده بود بنویسیم.

* وقتی که شوق به خدمت

هست، امکان خدمت هم هست، مردم هم استقبال می کنند و نیاز به خدمت هم هست. دلیلی ندارد که متوقف شویم یا در همین سطحی که هستیم بمانیم.

* تداوم جهاد یک شرط دارد و

آن اینکه همین روحیه جهادی محفوظ بماند و روی جریان کاغذ بازی و اداری بازی گذشته نیفتد.

و اینها احتیاج به محافظت و سنگر دارند، و در اینجاست که نیروهای جهاد نقش خودشان را ایفا می کنند.

من فکر می کنم که در جنگ ایران و عراق و در این بیروزیهایی که ایران بدست آورد سهم جهاد، سهم بسیار قابل توجهی است و مردم ما آنرا فراموش نمی کنند. البته جزئیات آن هنوز بررسی شده و

بسیاری از کارهای انجام شده، هنوز جزء اسرار است، مثلا اگر امروز ما بگویم جهاد در فتح العین چه کرد، شاید در آینده دشمن هم از اسرار سر مشق قرار بدهد.

به نظر من بعد از جنگ، وقتی بخواهیم تاریخ جنگ را بنویسیم، باید تاریخ خدمات جهاد را که حتی برای جنگ درست نشده بود و برای کارهای دیگر درست شده بود ولی در حاشیه کارهایش به متن افتاد، بنویسیم.

س - آینده جهاد را چگونه می بینید؟

ج - آینده جهاد را من بهتر از گذشته اش می بینم و اینکه اولاً آن نیروهای عظیم که طعم خدمت به مردم را و خدمت به اسلام و انقلاب را چشیده اند، برای خدمت کردن حریص تر شده اند. مردم قدر شناس ما، وقتی که این خدمات را دیدند طبیعی است که دل نمی کنند و به این خدمات امید بیشتری دارند. نیاز به این گونه خدمات هم کم نیست. کشور ما بقدری عقب افتادگی دارد که اگر ده برابر نیروی فعلی جهاد، در همه ابعاد کشور وارد کار شوند، باز هم کم است. در بای عظیمی است که هر کس یک سنگی به آنجا بیندازد، جای خودش را ایجاد می کند. وقتی که شوق به خدمت هست، امکان خدمت هم هست. مردم هم استقبال می کنند و نیاز به خدمت هم هست، دلیلی ندارد که متوقف بشویم و یاختی در همین سطحی که هستیم بمانیم. البته تداوم این خدمت یک شرط دارد و آن اینکه همین روحیه جهادی محفوظ بماند، یعنی روی یک جریان کاغذ بازی و تیپ اداری گذشته تعدیل نشود که البته نخواهد شد. چون ماینتر به این فکر هستیم که اداراتمان را جهادی کنیم. این است که قاعدتا این شیوه پسنیده ای است و یکی از کارها همین است که شما بعنوان یک تنظیم کننده و یامصاحبه کننده باز به شیوه جهادی عمل می کنید و آمده اید، تسته اید و سوال می کنید. ما امیدواریم در همه کارهایمان بتوانیم همین گونه، در آینده، جهاد و بدون قید و بند و با محتوای صحیح عمل کنیم، که تقیامت اجرش را خواهیم داشت

والسلام